

تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی در ایران*

محمدجلال عباسی شوازی، فاطمه ترابی

پایداری نسبی ازدواج خویشاوندی در دهه‌های پیشین لزوم مطالعه ویژگی‌ها و روند تغییرات این الگوی رایج ازدواج در ایران را آشکار می‌سازد. مقاله حاضر، با استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های «طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰»، تفاوت‌های بین نسلی ازدواج خویشاوندی را مطالعه می‌نماید. بدین منظور، الگوهای رفتاری و نگرشی فرزندان (نسل دوم) در مورد ازدواج خویشاوندی بررسی گردیده و با الگوی ازدواج خویشاوندی والدین (نسل اول) مقایسه می‌گردد. یافته‌های مطالعه بیانگر این است که تفاوت‌های بین نسلی در مورد ویژگی‌های فردی به کاهش مطلوبیت و رواج ازدواج خویشاوندی در میان نسل دوم منجر نگردیده است. از سوی دیگر، اگرچه تأثیرپذیری الگوی رفتاری و نگرشی دو نسل از جریان‌های مدرنیزاسیون و شهرنشینی نشان داده شده است، رابطه مشابه قومیت با الگوی ازدواج دو نسل از تأثیر یابیدار الگوهای فرهنگی بر الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران حکایت می‌نماید. رابطه الگوهای رفتاری و نگرشی فرزندان با الگوی ازدواج والدین و نیز تأثیر تفاوتی ویژگی‌های والدین بر نگرش فرزندان دختر و پسر از دیگر نتایج به دست آمده می‌باشد.

مفاهیم کلیدی: ازدواج خویشاوندی، خویشاوندان نزدیک، خویشاوندان دور، تفاوت بین نسلی، مدرنیزاسیون، قومیت، رفتار، نگرش، ایران.

* از نظرات اصلاحی آقایان دکتر محمود قاضی طباطبایی، دکتر اصغر عسکری خانقاه و دکتر محمد میرزایی و همچنین از همکاری آقای عباس عسکری ندوشن در آماده‌سازی داده‌های مورد استفاده در این پژوهش قدردانی می‌گردد.

مقدمه

ازدواج خویشاوندی^۱ و یا پیوند میان دو فرد دارای دست‌کم یک نیای مشترک، به‌عنوان الگوی رایج همسرگزینی در بیشتر مناطق شمال آفریقا، آسیای مرکزی و غربی و آسیای جنوبی در نظر گرفته می‌شود (بیتلز^۲، ۱۹۹۴: ۵۶۳). مطالعات مربوط به ازدواج خویشاوندی حکایت از آن دارند که این الگوی ازدواج از نظر تاریخی با کارکردهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی همراه بوده است (بیتلز، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱). از سوی دیگر، نظریه‌پردازان معاصر که تحول الگوهای خانواده و ازدواج را در رابطه با جریان‌های صنعتی شدن و مدرنیزاسیون مورد مطالعه قرار داده‌اند، تحولات حاصل از این جریان‌ها را عاملی در جهت کاهش اقتدار والدین و افزایش استقلال فرزندان در امر همسرگزینی در نظر گرفته‌اند؛ فرایندی که در نهایت به کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و ازجمله خویشاوندی منتهی خواهد گردید (گود، ۱۹۶۳؛ تورنتون و لین، ۱۹۹۴). نتایج مطالعات انجام شده با نشان دادن رواج بیشتر ازدواج خویشاوندی در میان افراد برخوردار از ویژگی‌های سنتی (روستاییان، همسران متعلق به پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین و برخوردار از سن ازدواج و سطح تحصیلی پایین) می‌تواند فرض تأثیر جریان مدرنیزاسیون بر الگوهای ازدواج را با توجه به ویژگی‌های فردی همسران مورد تأیید قرار دهد (بیتلز، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱؛ خلات و حلابی، ۱۹۸۶؛ حسین و بیتلز، ۱۹۹۹). از سوی دیگر، توجه به ثبات و حتی افزایش سطح ازدواج خویشاوندی در کشورهایی همچون یمن، پاکستان، هند، ایران و کویت، علی‌رغم تأثیرپذیری آن‌ها از جریان‌های صنعتی شدن و شهرنشینی در دهه‌های پیشین (گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴؛ جوردی و ساکسنا، ۲۰۰۳؛ قونید و همکاران، ۲۰۰۴؛ قیدوای و همکاران، ۲۰۰۳؛ رادووانویک، ۱۹۹۹؛ ناث و همکاران، ۲۰۰۴، عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵)، می‌تواند ضمن عدم تأیید نقش مسلط این جریان‌ها در دگرگونی الگوهای همسرگزینی بر تأثیر قابل توجه پیشینه منحصر به فرد تاریخی و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه در تعیین الگوهای خانواده و ازدواج تأکید نماید.

مطالعاتی که ازدواج خویشاوندی را در ایران بررسی نموده‌اند (گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴؛ عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳ و ۲۰۰۶، سعادت و همکاران، ۲۰۰۴؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵) رواج بالای ازدواج خویشاوندی، ثبات نسبی آن طی دهه‌های اخیر و نیز برخوردار بودن همسران خویشاوند از ویژگی‌های سنتی را نشان داده‌اند. با توجه به روند سریع شهرنشینی و نیز گسترش تحصیلات در این دوره، مطالعه الگوی رفتاری و نگرشی نسل جوان

1. consanguineous marriage, consanguinity, cousin marriage

2. Bittles, A.H.

در مورد ازدواج خویشاوندی و نیز تفاوت‌های بین نسلی^۱ (والدین و فرزندان) در این الگوها می‌تواند در درک عمیق‌تر چگونگی دگرگونی ازدواج خویشاوندی در ایران، عوامل مرتبط با آن و نیز پیش‌بینی الگوهای احتمالی همسرگزینی در آینده به کار رود. تأثیر الگوی ازدواج والدین بر الگوی ازدواج فرزندان، توسط مطالعات پیشین تأیید گردیده است (اوورال و همکاران، ۲۰۰۳). بررسی تأثیر الگوی ازدواج خویشاوندی والدین بر الگوی رفتاری و نگرشی فرزندان آنان در مورد ازدواج خویشاوندی از دیگر اهداف مقاله حاضر می‌باشد.

مطالعات پیشین^۲

علی‌رغم این واقعیت که ازدواج خویشاوندی از دیرباز در ایران رواج داشته است (کتابی، ۱۳۷۹)، بررسی چگونگی توزیع و عوامل گوناگون مرتبط با آن توجه تعداد اندکی از پژوهشگران را به خود جلب نموده است. گیونز و هیرشمن (۱۹۹۴) با استفاده از داده‌های طرح بررسی باروری ایران (۱۹۷۷) نشان دادند که ۴۰ درصد از ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی بوده‌اند. نتایج مطالعه عباسی شوازی و همکاران (۱۳۸۳ و ۲۰۰۶) که با استفاده از داده‌های طرح تحولات باروری در ایران (۲۰۰۲) انجام گرفت نیز حاکی از آن بود که حدود ۴۰ درصد از نمونه مورد بررسی در چهار استان منتخب آذربایجان غربی، سیستان و بلوچستان، گیلان و یزد دارای همسر خویشاوند بوده‌اند. یافته‌های بررسی سعادت و همکاران (۲۰۰۶) که در سطح تمامی استان‌ها انجام گرفت، چنین آشکار نمود که به ترتیب ۳۸/۶ و ۲۷/۹ درصد از ازدواج‌ها از نوع خویشاوندی و خویشاوندی نزدیک درجه اول^۳ بوده‌اند.

بررسی عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵) که به منظور بررسی سطح، الگو و روند ازدواج خویشاوندی و با استفاده از داده‌های طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار (۱۳۸۰) انجام گرفت، نشان داد ۴۲/۰ درصد از ازدواج‌ها با خویشاوند (دور یا نزدیک) و ۲۱/۴ درصد با خویشاوند نزدیک انجام گرفته است. بررسی نسلی^۴ ازدواج خویشاوندی که با استفاده از گروه‌های هم‌دوره ازدواجی^۵ انجام گرفت، علی‌رغم افزایش اندک ازدواج خویشاوندی در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ از ثبات نسبی ازدواج خویشاوندی در دهه‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۸۰

1. inter-generational differences

۲. به منظور آگاهی بیشتر از مطالعات انجام شده در مورد ازدواج خویشاوندی و نیز عوامل مرتبط با آن. مطالعه مقاله عباسی شوازی و ترابی (۱۳۸۵) پیشنهاد می‌گردد.

3. first cousin marriage

4. cohort analysis

5. marriage cohorts

حکایت نمود. بررسی ویژگی‌های همسران خویشاوندی که به گروه‌های هم‌دوره ازدواجی متفاوت تعلق داشته و یا به عبارتی دیگر در دهه‌های مختلف ازدواج نموده بودند، در تأیید یافته‌های مطالعات پیشین نشان داد که رواج ازدواج خویشاوندی در میان افرادی که در روستا متولد گردیده، دارای سطح تحصیلی و سن ازدواج پایین‌تری بوده و از ازدواجی ترتیب یافته برخوردار بوده‌اند بیشتر بوده است. این یافته‌ها اگرچه تفاوت اندکی را بین سطح ازدواج خویشاوندی دو گروه فارسی زبان (۴۱،۱٪) و غیر فارسی زبان (۴۲،۸٪) نشان داد اما از تفاوت‌های قابل توجهی در میان قومیت‌های گوناگون حکایت نمود: بلوچ‌ها (۸۳،۲٪)، عرب‌ها (۶۶،۹٪)، لر‌ها (۵۷،۴٪)، ترکمن‌ها (۵۷،۱٪)، کردها (۴۶،۹٪)، ترک‌ها (۳۶،۲٪)، مازندرانی‌ها (۳۳،۱٪) و گیلک‌ها (۲۶،۲٪).

نتایج تحلیل چند متغیره نیز تأثیر باورهای فرهنگی و قومی را بر الگوهای همسرگزینی مورد تأیید قرار داد. بررسی تأثیر همزمان ویژگی‌های متفاوت اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی زنان و شوهران بر ازدواج خویشاوندی نشان داد که متغیرهای قومیت، سن ازدواج و شیوه همسرگزینی قادر به پیش‌بینی احتمال ازدواج خویشاوندی بوده‌اند. به عبارت دیگر، زنان و شوهرانی که به ترتیب در سنین پس از ۲۵ و ۳۰ سالگی ازدواج کرده بودند، شوهرانی که همسر خود را براساس معیارهای شخصی انتخاب نموده و یا ازدواجی آزاد داشته‌اند و نیز افرادی که به یکی از گروه‌های قومی گیلک، مازندرانی و ترک تعلق داشتند، به ترتیب نسبت به هم‌تایان دارای ازدواج زودرس، ازدواجی ترتیب یافته (گزینش همسر براساس توصیه والدین) و نیز در مقایسه با فارسی‌زبانان از احتمال ازدواج خویشاوندی کمتری برخوردار بوده‌اند.

چارچوب نظری

تا اواسط قرن بیستم میلادی، تغییرات الگوهای خانواده و ازدواج در قالب پارادایم توسعه^۱ مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گرفت. «در این پارادایم، تغییر به صورت طبیعی، یکنواخت، ضروری و جهت‌دار در نظر گرفته می‌شد» (تورنتون^۲، ۲۰۰۱: ۴۵۰). جامعه غربی به‌طور عام و خانواده غربی به‌طور خاص به‌عنوان معیاری برای سنجش توسعه‌یافتگی در نظر گرفته شده و دست‌یابی به الگوی خانواده غربی به‌عنوان شرط لازم برای دست‌یابی به جامعه‌ای توسعه‌یافته مطرح می‌گردد؛ جامعه‌ای فردگرا با حضور کم‌رنگ سازمان‌های خانوادگی و برخوردار از ویژگی‌هایی همچون رواج بیشتر خانواده‌های هسته‌ای، سن ازدواج بالاتر، عمومیت پایین‌تر

1. developmental paradigm

2. A. Thornton

ازدواج، استقلال بیشتر جوانان در اموری همچون همسرگزینی و ارتقا پایگاه زنان. به این ترتیب، جامعه غربی در یک سوی طیف قرار گرفته و سایر جوامع به میزان تفاوتی که با ویژگی‌های این جامعه «مدرن» یا «توسعه یافته» پیدا می‌کردند، به‌عنوان «سنتی» یا «کمتر توسعه یافته» در نظر گرفته می‌شدند (همان). تسلط چنین رویکردی در مطالعه خانواده باعث گردید تا نظریاتی همچون «انقلاب جهانی در الگوهای خانواده» مطرح گردیده و بر تأثیر مسلط جریان‌های صنعتی شدن و مدرنیزاسیون بر الگوهای خانواده و ازدواج و همگرایی این الگوها تأکید نماید (گودا، ۱۹۶۳).

شواهد متعددی که به‌ویژه از نیمه قرن گذشته به‌دست آمدند، حضور بسیاری از ویژگی‌های خانواده معاصر غربی (ازدواج دیررس، فراوانی تجرد قطعی و نقش فعال جوانان در همسرگزینی) را که گمان می‌رفت در نتیجه جریان‌هایی همچون صنعتی شدن، شهرنشینی، توسعه تحصیلات و دانش و غیره به ظهور رسیده باشد، در خانواده غربی قرون پیش از به‌اصطلاح توسعه یافتگی غرب آشکار نموده و تداوم تاریخی آن‌ها را نشان داد. اما در مورد کشورهای غیر غربی، اگرچه توسعه اقتصادی با تغییر برخی از ویژگی‌های این جوامع همچون تخصصی شدن مشاغل، افزایش سطوح تحصیلی، کاهش سطح باروری، تغییر نگرش نسبت به نقش جوانان و زنان و غیره همراه بوده است، اما تداوم بسیاری از ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی به اصطلاح «سنتی» در این جوامع می‌تواند بر این نکته تأکید نماید که «مدرنیزاسیون احتمالی است، نه جبری. توسعه اقتصادی به تغییر یک جامعه خاص در جهتی قابل پیش‌بینی منجر می‌گردد، اما فرایند و مسیر حتمی نیستند. بسیاری از عوامل دخالت دارند، بنابراین هر پیش‌بینی باید براساس زمینه اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد بررسی انجام گردد» (اینگلهارت و بیکر^۲، ۲۰۰۰: ۴۹).

مطالعاتی که تحولات خانواده را در ایران بررسی نموده‌اند، یافته‌های فوق را تأیید کرده‌اند. عباسی شوازی و مک دونالد^۳ (۲۰۰۷) بر نقش مسلط نهادهای جامعه در تغییر الگوهای خانواده تأکید نموده و نشان داده‌اند که اگرچه برخی از ویژگی‌های خانواده ایرانی در دوران تأثیرپذیری جامعه از فرایندهای صنعتی شدن و مدرنیزاسیون دچار تغییر گردیده است (کاهش باروری، افزایش سن ازدواج)، اما برخی از این ویژگی‌ها نیز از تداومی غیر قابل انکار برخوردار بوده‌اند (ازدواج با یک خویشاوند، میزان‌های پایین طلاق). آزادارمکی و همکاران (۱۳۷۹) و آزادارمکی (۱۳۸۰) تأثیر تحولات فرهنگی-اجتماعی بر

1. Goode, W.

2. Inglehart, R. & W. E. Baker

3. Abbasi-Shavazi, M. J. & P. McDonald

ساختار درونی خانواده و نیز تفاوت‌های بین نسلی را با بررسی سه نسل مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج این بررسی‌ها نشان داد که اگرچه برخی از سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر خانواده و نگرش‌های موجود نسبت به آن‌ها در نسل‌های متوالی دچار تغییر گردیده است (نحوه گذران اوقات فراغت، دوست‌یابی، علائق و نیازها و توجه به زندگی خانوادگی)، اما تعدادی ویژگی‌های مشترک نیز در سه نسل مشاهده می‌گردد (اهمیت ازدواج با خویشاوندان و هم‌ولایتی‌ها، همسان همسری اقتصادی و غیره).

همان‌گونه که در بخش پیشین مورد اشاره قرار گرفت، بررسی‌های متعدد نشان داده‌اند که ازدواج خویشاوندی در دهه‌های گذشته از تداومی اعجاب‌برانگیز برخوردار بوده است به طوری که می‌توان آن را به عنوان یکی از ابعاد نسبتاً پایدار الگوی خانواده در ایران و نیز بسیاری از کشورهای آسیایی به شمار آورد. چنین پدیده‌ای می‌تواند عدم تحول ساختارهای اجتماعی و اقتصادی در جهت تغییر کارکردهای ازدواج خویشاوندی در جامعه و حفظ اهمیت آن را در دست‌یابی به منابع مادی و معنوی نشان دهد. از سوی دیگر، احتمال بیشتر برخورداری همسران خویشاوند از ویژگی‌هایی همچون برخورداری از زمینه روستایی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی پایین، سطح تحصیلی پایین و غیره تأیید گردیده است که می‌تواند نشان‌دهنده تغییر بیشتر الگوهای نگرشی و رفتاری افرادی باشد که به احتمال بیشتری تحت تأثیر مستقیم جریان مدرنیزاسیون و «آرمان‌گرایی توسعه‌ای»^۱ قرار گرفته‌اند. به بیان تورنتون (۲۰۰۱) این آرمان‌گرایی چهار گزاره^۲ را شامل می‌گردد: ۱) جامعه مدرن خوب و دست‌یافتنی می‌باشد، ۲) خانواده مدرن خوب و دست‌یافتنی می‌باشد، ۳) خانواده مدرن علتی^۳ برای جامعه‌ای مدرن و نیز معلول^۴ آن می‌باشد، ۴) افراد آزاد و برابر هستند، و روابط اجتماعی براساس توافق^۵ شکل می‌گیرند. گزاره‌های یاد شده سیستم عقیدتی ویژه‌ای را به وجود می‌آورد که می‌تواند به تغییرات گسترده‌ای در الگوهای خانواده و ازدواج منتهی گردد. پذیرش این گزاره‌ها از سوی دولت‌ها، پژوهشگران و مردم کشورهای غیر غربی به معنی پذیرش سنتی بودن الگوهای بومی خانواده و تضاد آن‌ها با الگوهای مدرن بوده و در نهایت به عنوان عاملی در جهت ضدیت با توسعه اجتماعی-اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. از این رو انطباق بیشتر افراد برخوردار از زمینه شهری، سطوح تحصیلی بالا، مشاغل عالی‌تر و سایر ویژگی‌های به اصطلاح مدرن با الگوی خانوادگی و ازدواج غیر سنتی و از جمله ازدواج خویشاوندی قابل انتظار می‌باشد. برخورداری از ویژگی‌های یاد شده، علاوه بر

1. developmental Idealism
3. cause
5. consent

2. proposition
4. effect

فراهم نمودن الگوهای نگرشی متفاوت برای افراد برخوردار از آن‌ها، الگوهای رفتاری جایگزین را نیز برای آنان فراهم می‌نماید. به‌عنوان نمونه، برخورداری از سطوح تحصیلی بالاتر، علاوه بر معرفی الگوهای نگرشی جدید در مورد الگوهای همسرگزینی، با به تأخیر انداختن نقش‌های دوران بزرگسالی، از جمله ازدواج، می‌تواند به افزایش سن ازدواج و فراهم آوردن امکان ازدواج با فردی غیر خویشاوند از طریق گسترش دایره همسرگزینی منجر گردد. شهرنشینی نیز می‌تواند با گسترش تحصیلات و ارائه فرصت‌های متفاوت شغلی، زمینه لازم را برای معرفی الگوهای جدید نگرشی و رفتاری مرتبط با همسرگزینی فراهم آورد.

ثبات نسبی سطح و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران طی پنج دهه گذشته (۱۳۳۰ - ۱۳۸۰) توسط نویسندگان این مقاله (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵) نشان داده شد. پایداری الگوهای ویژه ازدواج خویشاوندی در میان قومیت‌های گوناگون نیز لزوم توجه به ساختارهای فرهنگی را در مطالعه پدیده‌های اجتماعی مورد تأیید قرار داد. بررسی یاد شده، با استفاده از تحلیل نسلی (Cohort Analysis)، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی را در میان گروه‌های هم‌دوره ازدواجی مورد مطالعه قرار داد. مقاله حاضر، با به کارگیری رویکردی دیگر در تحلیل نسلی (Generational Analysis)، با در نظر گرفتن تفاوت‌های بین نسلی در مورد برخی ویژگی‌های فردی و نیز الگوی ازدواج خویشاوندی دو نسل (والدین فرزندان)، به بررسی الگوهای رفتاری و نگرشی نسل دوم (فرزندان خانوارها) در رابطه با ازدواج خویشاوندی و عوامل مرتبط با آن از جمله تأثیرپذیری چنین الگوهایی از الگوی ازدواج نسل اول (والدین) می‌پردازد تا تصویر جامع‌تری از چگونگی تغییر این الگوی ازدواج در ایران فراهم نماید.

داده‌ها و روش تحقیق

مطالعه حاضر براساس داده‌های طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار صورت گرفته است که در سال ۱۳۸۰ توسط مرکز آمار ایران با همکاری مرکز تحقیقات فرانسه انجام گرفته و پاسخ‌گویی از تمامی استان‌های کشور را شامل می‌گردد. روش تحقیق مورد استفاده، «تحلیل ثانویه»^۱ داده‌های طرح یاد شده می‌باشد. این پژوهش در راستای مطالعه پیشین نویسندگان این مقاله (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵) و به منظور ارزیابی الگوی رفتاری و نگرشی فرزندان خانوارهای مورد مطالعه در بررسی پیشین انجام گرفته است. در چارچوب داده‌های موجود، الگوی رفتاری نسل دوم با توجه به الگوی ازدواج خویشاوندی فرزندان ازدواج

1. secondary analysis

کرده و الگوی نگرشی آنان با توجه به نگرش فرزندان ازدواج نکرده این خانوارها نسبت به ازدواج خویشاوندی مورد بررسی قرار می‌گیرد. واحد تحلیل، فرد است و جامعه آماری نیز با توجه به در دسترس بودن داده‌های از پیش گردآوری شده مورد استفاده در این بررسی انتخاب گردیده و دو گروه را شامل می‌گردد:

- ۱) فرزندان ازدواج کرده خانوار: ۴۲۵ نفر شامل ۱۵۰ فرزند دختر و ۲۷۵ فرزند پسر.
- ۲) فرزندان هرگز ازدواج نکرده خانوار: از میان این فرزندان، در صورت امکان، یک فرزند دختر و یک فرزند پسر انتخاب شده‌اند و چنانچه خانواری تعداد بیشتری فرزند هرگز ازدواج نکرده واقع در سنین یاد شده داشته است، بزرگ‌ترین آنان انتخاب شده‌اند. این جامعه، ۳۳۳۸ نفر را در بر می‌گیرد که ۱۵۲۶ فرزند دختر و ۱۸۱۲ فرزند پسر را شامل می‌گردد.

متغیرهای مستقل

- قومیت (فارس، بلوچ، ترکمن، ترک، عرب، کرد، گیلک، لر، مازندرانی)
- محل تولد (شهر، روستا)
- سطح تحصیلی (بیسواد، ابتدایی، راهنمایی و متوسطه، دیپلم و بالاتر)
- شیوه همسرگزینی فرزندان ازدواج کرده خانوار (توصیه والدین، توصیه خویشاوندان و دوستان، گزینش شخصی)
- سن در اولین ازدواج در مورد فرزندان ازدواج کرده خانوار (۱۹ <، ۲۰-۲۴ و ۲۵+)
- سن فرزندان هرگز ازدواج نکرده (۱۵-۱۹، ۲۰-۲۴، ۲۵-۲۹)
- ازدواج خویشاوندی والدین (ازدواج با خویشاوند نزدیک، ازدواج با سایر خویشاوندان، ازدواج با غیر خویشاوند)

متغیر وابسته

- در بررسی الگوی ازدواج خویشاوندی فرزندان ازدواج کرده، متغیر وابسته ازدواج خویشاوندی می‌باشد که به ازدواج با یکی از خویشاوندان اشاره داشته و در سه طبقه ازدواج با خویشاوند نزدیک، ازدواج با سایر خویشاوندان و ازدواج با غیر خویشاوند سنجیده می‌شود.

- در بررسی الگوی نگرشی فرزندان هرگز ازدواج نکرده در مورد ازدواج خویشاوندی، متغیر وابسته نگرش آنان نسبت به ازدواج با خویشاوند نزدیک می‌باشد که با گزینه «آیا ازدواج با خویشاوند نزدیک را درست می‌دانید؟» مشخص گردیده و دارای سه ارزش بلی، نه و نمی‌داند می‌باشد.

توصیف و تحلیل داده‌ها در مطالعه حاضر با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شده است. پس از انتخاب جامعه آماری، در بخش مربوط به ارزیابی چگونگی توزیع ازدواج خویشاوندی در میان فرزندان ازدواج کرده خانوارها و نحوه تأثیرپذیری الگوی همسرگزینی آنان از الگوی ازدواج والدین و سایر ویژگی‌های ایشان، پس از استفاده از تحلیل یک متغیره برای توصیف ویژگی‌های آنان، از تحلیل دو متغیره استفاده نموده‌ایم. سپس با استفاده از تحلیل یک متغیره، ویژگی‌های فرزندان ۱۵-۱۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوارها توصیف گردیده و با استفاده از تحلیل دو متغیره، روابط بین متغیر نگرش آنان نسبت به ازدواج خویشاوندی و متغیرهای مربوط به الگوی همسرگزینی والدین و سایر ویژگی‌های این افراد، تحلیل گردیده است. در پایان، با استفاده از روش رگرسیون لجستیک، تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر الگوی نگرشی فرزندان دختر و پسر بررسی گردیده است.

یافته‌های تحقیق

الف. تفاوت‌های بین‌نسلی میان والدین و فرزندان ازدواج کرده

۱) توصیف ویژگی‌ها

جدول (۱) ویژگی‌های منتخب والدین و فرزندان ازدواج کرده آنان (۶۴،۷ درصد فرزند پسر و ۳۵،۳ درصد فرزند دختر) را شامل گردیده و تفاوت‌های بین‌نسلی را در توزیع این ویژگی‌ها نشان می‌دهد.

ویژگی‌های فردی: بیش از نیمی از فرزندان ازدواج کرده خانوارها در شهر متولد گردیده و سایر آنان را متولدین روستا تشکیل می‌دهند. مقایسه محل تولد دو نسل نشان می‌دهد که درصد فرزندان متولد شهر (۵۸،۰٪) بیش از مادران (۴۸،۲٪) و پدرانی (۴۴،۳٪) است که در شهر متولد گردیده‌اند؛ این یافته می‌تواند روند کلی افزایش شهرنشینی در ایران را تأیید نماید.

همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، سطوح تحصیلی فرزندان نسبت به والدین افزایش قابل توجهی یافته است. در حالی که تنها ۲،۱ درصد افراد متعلق به نسل دوم بیسواد بوده‌اند، حدود یک‌سوم زنان و بیش از یک‌پنجم مردان متعلق به نسل اول از هیچ‌گونه تحصیلاتی برخوردار نبوده‌اند. بهبود تحصیلات نسل دوم در افزایش ارقام مربوط به سطوح تحصیلی راهنمایی - متوسطه و بالاتر از آن نیز جریان توسعه آموزش در ایران را در خود منعکس می‌سازد.

میانگین، میانه و نمای سنی فرزندان به ترتیب ۲۳،۸، ۲۳،۰ و ۲۳،۰ سال می‌باشد؛ ارقام مشابه در مورد مادران ۳۷،۸، ۴۳،۱ و ۳۶،۰ سال و در مورد پدران ۴۱،۰، ۳۱،۰ و ۴۰،۰ سال

می‌باشند. وقوع ازدواج بیشترین افراد متعلق به نسل جدید در سنین ۲۰-۲۴ سالگی و کمترین آنان در سنین کمتر از ۱۵ سال، با روند کلی افزایش سن ازدواج در کشور هم‌خوانی دارد. شیوه همسرگزینی: ۶۲٫۶ درصد از فرزندان همسر خود را براساس معیارهای شخصی برگزیده‌اند و کمتر از یک‌سوم آنان (۳۱٫۲٪) توصیه والدین را مبنای همسرگزینی خود قرار داده‌اند. تفاوت ارقام بیان شده با ارقام مشابه در مورد والدین کاهش ازدواج‌های ترتیب یافته و افزایش ازدواج‌های آزاد (همسرگزینی براساس معیارهای شخصی) را در میان نسل جدید نشان می‌دهد. جدول شماره ۱. توزیع ویژگی‌های مختلف والدین و فرزندان ازدواج کرده خانوارها (ارقام به درصد)

فرزندان	والدین		ویژگی
	پدر	مادر	
۵۸٫۰	۴۴٫۳	۴۸٫۲	محل تولد شهر
۴۲٫۰	۵۵٫۷	۵۱٫۸	روستا
۲٫۱	۲۱٫۵	۳۲٫۴	سطح تحصیلی بیسواد
۲۳٫۱	۳۰٫۴	۲۸٫۲	ابتدایی
۳۷٫۹	۲۳٫۳	۱۹٫۹	راهنمایی و متوسطه
۳۶٫۹	۲۴٫۷	۱۹٫۴	دیپلم و بالاتر
۲٫۴	—	۱۳٫۵	سن در اولین ازدواج ۱۴-۱۰
۲۶٫۵	۱۵٫۰	۵۴٫۷	۱۹-۱۵
۴۵٫۷	۴۸٫۸	۲۵٫۰	۲۴-۲۰
۲۵٫۴	۳۶٫۲	۶٫۸	+۲۵
۳۱٫۲	۴۰٫۷	۵۳٫۱	چگونگی گزینش همسر توصیه والدین
۶٫۲	۱۲٫۹	۱۰٫۶	توصیه خویشاوندان و دوستان
۶۲٫۶	۴۶٫۴	۳۶٫۳	گزینش شخصی
۲۸٫۱	۲۱٫۵	۲۱٫۵	ازدواج خویشاوندی ازدواج با خویشاوند نزدیک
۱۷٫۵	۲۰٫۶	۲۰٫۶	ازدواج با سایر خویشاوندان
۵۴٫۴	۵٫۷۹	۵٫۷۹	ازدواج با غیر خویشاوند
۴۲۵	۵۳۲۲	۵۳۲۲	تعداد کل

منبع: طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰

الگوی ازدواج خویشاوندی: تغییر الگوی ازدواج خویشاوندی در میان والدین و فرزندان با سایر تفاوت‌های بین‌نسلی مشاهده شده هم‌خوانی ندارد. در حالی که ۴۲,۰ درصد والدین با یکی از خویشاوندان خود ازدواج کرده‌اند، درصد ازدواج خویشاوندی^۱ در میان فرزندان با افزایشی تقریباً ۸ درصدی به ۴۵,۶ درصد رسیده است. از سوی دیگر، ازدواج با خویشاوندان نزدیک نیز در نسل دوم نسبت به نسل اول افزایش یافته است و این در حالی است که شهرنشینی، برخورداری از تحصیلات و سن ازدواج بالاتر، و نیز ازدواج آزاد در میان نسل دوم افزایش یافته است. چنین یافته‌ای می‌تواند ضمن تأیید نتایج مطالعات پیشین مبنی بر روند نسبتاً ثابت ازدواج خویشاوندی (گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴، عباسی شوازی، مک‌دونالد و حسینی چاوشی ۲۰۰۶، عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵) بر تداوم و پایداری این الگوی ازدواج در ایران تأکید نماید.

۲) تحلیل دو متغیره داده‌ها

بخش حاضر به بررسی رابطه الگوی ازدواج خویشاوندی فرزندان ازدواج کرده خانوارها با ویژگی‌های منتخب مرتبط با آنان اختصاص یافته است. متغیر وابسته ازدواج خویشاوندی می‌باشد و متغیرهای مستقلی که به‌عنوان شاخص‌هایی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از محل تولد، قومیت، سطح تحصیلی، سن در اولین ازدواج، چگونگی‌گزینش همسر و الگوی ازدواج خویشاوندی والدین.

۲-۱) ویژگی‌های فردی و ازدواج خویشاوندی

جدول (۲) رابطه ازدواج خویشاوندی فرزندان را با ویژگی‌های محل تولد، قومیت، سطح تحصیلی و سن ازدواج آنان می‌سنجد. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد این رابطه تنها در مورد دو متغیر محل تولد و سن در اولین ازدواج معنی‌دار شده و رابطه ازدواج خویشاوندی نسل جدید با دو متغیر قومیت و سطح تحصیلی از نظر آماری معنی‌دار نشده است. عدم دست‌یابی به رابطه معنی‌دار بین متغیرهای ازدواج خویشاوندی و قومیت می‌تواند به سبب ادغام کلیه گروه‌های قومی غیر فارس در یک طبقه (غیر فارس) باشد که احتمالاً به صورت کلی با فارسی‌زبانان تفاوت معنی‌داری ندارند. طبقه‌بندی یاد شده به سبب کافی نبودن تعداد نمونه متعلق به هر یک از گروه‌های قومی انجام گرفته است.

۱. درصد‌های مربوط به ازدواج خویشاوندی (که در متن به آن‌ها اشاره گردیده است)، از حاصل جمع درصد‌های مربوط به ازدواج با خویشاوند نزدیک و ازدواج با سایر خویشاوندان (که در جداول مشخص شده‌اند) به دست آمده است و به‌طور کلی اختلاف درصد ازدواج غیر خویشاوندی از ۱۰۰ می‌باشد.

جدول شماره ۲. توزیع درصد ویژگی‌های فردی فرزندان ازدواج کرده خانوارها براساس ازدواج خویشاوندی

ازدواج خویشاوندی					
ویژگی	ازدواج با			کل	
	خویشاوند نزدیک	سایر خویشاوندان	ازدواج با غیر خویشاوندان		
محل تولد	شهر	۱۸,۶	۱۸,۱	۶۳,۳	۱۰۰
	روستا	۳۴,۷	۱۷,۱	۴۸,۲	۱۰۰
آزمون آماری	Chi-Square=۱۳,۸	Cramer's V=۰,۱۸۱	Sig=۰,۰۰۱		
قومیت	فارس	۲۸,۵	۱۸,۴	۵۳,۱	۱۰۰
	غیر فارس	۲۷,۹	۱۶,۸	۵۵,۳	۱۰۰
آزمون آماری	Chi-Square=۰,۳	Cramer's V=۰,۰۲۵	Sig=۰,۸۷۵		
سطح تحصیلی	بیسواد	۴۴,۴	۱۱,۱	۴۴,۴	۱۰۰
	ابتدایی	۲۶,۸	۱۷,۵	۵۵,۷	۱۰۰
	راهنمایی و متوسطه	۳۳,۵	۱۹,۳	۴۷,۲	۱۰۰
	دیپلم و بالاتر	۲۲,۴	۱۶,۰	۶۱,۵	۱۰۰
آزمون آماری	Chi-Square=۸,۳	Cramer's V=۰,۰۹۹	Sig=۰,۲۲۰		
سن در اولین ازدواج	< ۱۹	۳۸,۵	۲۴,۶	۳۶,۹	۱۰۰
	۲۰-۲۴	۲۸,۱	۱۳,۵	۵۸,۳	۱۰۰
	+۲۵	۱۵,۹	۱۶,۸	۶۷,۳	۱۰۰
آزمون آماری	Chi-Square=۲۶,۳	Cramer's V=۰,۱۷۷	Sig=۰,۰۰۵		
کل		۲۸,۱	۱۷,۵	۵۴,۴	۱۰۰

منبع: طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰

در حالی که بیش از نیمی از فرزندان که در روستا متولد شده‌اند (۵۱,۸ درصد) با یکی از خویشاوندان خود ازدواج نموده‌اند، تنها اندکی بیش از یک‌سوم (۳۶,۷ درصد) فرزندان متولد شهر چنین ازدواجی کرده‌اند. بررسی الگوی ازدواج خویشاوندی نزدیک تفاوت قابل توجهی را بین مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد، به طوری که از میان افراد متعلق به نسل دوم احتمال ازدواج متولدین روستا با یکی از خویشاوندان نزدیک در حدود ۴۶ درصد بیش از احتمال ازدواجی مشابه در مورد متولدین شهر می‌باشد. همان‌گونه که در بخش نظری بیان گردید، چنین یافته‌ای می‌تواند با الگوهای جدید نگرشی و رفتاری مرتبط با زندگی شهرنشینی و تأثیر آن بر الگوهای همسرگزینی تبیین گردد.

بررسی رابطه ازدواج خویشاوندی و سن ازدواج نشان می‌دهد که وقوع ازدواج خویشاوندی با افزایش سن ازدواج کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر، احتمال ازدواج فرزندان که در سنین کمتر از ۱۹ سالگی ازدواج نموده و یکی از خویشاوندان خود را به عنوان همسر برگزیده‌اند، نسبت به افرادی که پس از ۲۵ سالگی ازدواج کرده و دارای چنین ازدواجی بوده‌اند، تقریباً ۴۸ درصد بیشتر می‌باشد. از سوی دیگر، کسانی که دارای سن ازدواج بیش از ۲۵ سال می‌باشند به میزان کمتری با یکی از خویشاوندان نزدیک خود ازدواج نموده‌اند. افزایش سن ازدواج می‌تواند با افزایش احتمالی سطح تحصیلات و اشتغال و گسترش دایره همسرگزینی فرد مرتبط بوده و امکان آشنایی با همسری غیر خویشاوند را افزایش دهد.

۲-۲) شیوه همسرگزینی و ازدواج خویشاوندی

همان‌گونه که در جدول (۳) ملاحظه می‌گردد، در حالی که بیش از نیمی از فرزندان که همسر خود را براساس توصیه والدین برگزیده‌اند دارای ازدواج خویشاوندی (نزدیک یا دور) بوده‌اند، درصد چنین ازدواجی در میان افرادی که بر مبنای توصیه خویشاوندان و دوستان و گزینش شخصی، همسر خود را انتخاب نموده‌اند به ترتیب ۲۶٫۹ و ۴۴٫۳ درصد گزارش گردیده است. چنین یافته‌ای رواج بیشتر ازدواج خویشاوندی را در میان افراد برخوردار از ازدواج‌های ترتیب یافته نسبت به همتایانی که دارای ازدواج‌های آزاد می‌باشند تأیید می‌نماید. با توجه به این‌که ترتیب یافته بودن ازدواج خویشاوندی بیش از ازدواج غیر خویشاوندی مورد انتظار می‌باشد، چنین یافته‌ای دور از انتظار نیست.

جدول شماره ۳. توزیع درصد شیوه همسرگزینی فرزندان ازدواج کرده خانوارها براساس ازدواج خویشاوندی

ویژگی	ازدواج خویشاوندی		
	ازدواج با غیر خویشاوندان	ازدواج با سایر خویشاوندان	ازدواج با خویشاوند نزدیک
شیوه همسرگزینی توصیه والدین	۴۷٫۷	۱۸٫۹	۳۳٫۳
توصیه دوستان و خویشاوندان	۷۳٫۱	۲۳٫۱	۳٫۸
گزینش شخصی	۵۵٫۷	۱۶٫۳	۲۸٫۰
آزمون آماری	Chi-Square=۱۰٫۴	Cramer's V=۰٫۱۱۱	Sig=۰٫۳۵
کل	۵۴٫۴	۱۷٫۵	۲۸٫۱

منبع: طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی - اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰

۲-۳) الگوی ازدواج خویشاوندی والدین و ازدواج خویشاوندی

جدول (۴) نشان می‌دهد که در مجموع بیش از نیمی از افرادی که دارای والدین خویشاوند نزدیک یا دور بوده‌اند، خود نیز دارای ازدواج خویشاوندی بوده‌اند (به ترتیب ۵۰٫۹ و ۵۶٫۱ درصد) در صورتی‌که کمتر از ۴۰ درصد فرزندان والدین غیر خویشاوند، چنین ازدواجی داشته‌اند. این یافته به خوبی رابطه الگوی ازدواج والدین و فرزندان را منعکس می‌سازد. از سوی دیگر، بیش از سه چهارم همسران خویشاوندی که والدین آنان خویشاوند نزدیک بوده‌اند، خود نیز دارای ازدواج خویشاوندی نزدیک بوده‌اند. البته چنین الگویی در مورد همسران خویشاوندی که والدین آنان خویشاوند دور بوده‌اند مشاهده نمی‌گردد. به عبارت دیگر، بیش از نیمی از این افراد و نیز همسران خویشاوندی که دارای والدین غیر خویشاوند بوده‌اند با یکی از خویشاوندان نزدیک خود ازدواج نموده‌اند. این یافته می‌تواند تأثیرپذیری الگوی ازدواج فرزندان از الگوی ازدواج والدین را تأیید نماید.

جدول شماره ۴. توزیع درصد الگوی ازدواج خویشاوندی والدین فرزندان ازدواج کرده خانوارها براساس ازدواج خویشاوندی فرزندان

ازدواج خویشاوندی			
ویژگی	ازدواج با خویشاوند نزدیک	ازدواج با سایر خویشاوندان	ازدواج با غیر خویشاوندان
ازدواج خویشاوندی ازدواج با خویشاوند نزدیک	۳۹٫۶	۱۱٫۳	۴۹٫۱
والدین ازدواج با سایر خویشاوندان	۳۱٫۷	۲۴٫۴	۴۳٫۹
ازدواج با غیر خویشاوندان	۲۱٫۷	۱۷٫۹	۶۰٫۴
آزمون آماری	Sig=۰٫۰۰۲	Cramer's V=۰٫۱۴۲	Chi-Square=۱۷٫۱
کل	۲۸٫۱	۱۷٫۵	۵۴٫۴

منبع: طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰

در مجموع، رواج ازدواج خویشاوندی در میان فرزندان ازدواج کرده خانوارها کاهش نیافته است؛ در عین حال، الگوی ازدواج این افراد با برخی از ویژگی‌های آنان از جمله محل تولد، سن در اولین ازدواج، شیوه همسرگزینی و نیز الگوی ازدواج والدین رابطه داشته است. برخوردار از ویژگی‌هایی همچون تولد در روستا، ازدواج در سنین پایین‌تر، برخوردار از ازدواجی ترتیب یافته و نیز داشتن والدین خویشاوند می‌تواند وقوع ازدواج خویشاوندی را در میان فرزندان افزایش دهد.

ب. تفاوت‌های بین‌نسلی میان والدین و فرزندان هرگز ازدواج نکرده

(۱) توصیف ویژگی‌ها

در بخش پیشین الگوی ازدواج خویشاوندی و یا به عبارت دیگر رفتار عملی نسل دوم و عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی مرتبط با آن مورد بررسی قرار گرفت. اکنون بر آن هستیم تا با مطالعه نگرش این نسل (فرزندان ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوارها) و عوامل گوناگون مرتبط با آن دریچه‌ای به سوی الگوهای احتمالی ازدواج خویشاوندی در آینده بگشاییم؛ البته نمی‌توان این نکته را نیز فراموش نمود که نگرش‌ها و رفتارهای افراد لزوماً بر یکدیگر منطبق نبوده و تابع شرایط زمانی، مکانی و محیطی بسیاری می‌باشند. به منظور جدول شماره ۵. توزیع ویژگی‌های منتخب فرزندان ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوارها به تفکیک جنس (ارقام به درصد)

جنس		ویژگی
مرد	زن	
۵۷,۱	۵۶,۴	شهر محل تولد
۴۲,۸	۴۳,۴	روستا
۴۹,۴	۴۹,۲	فارسی زبان مادری
۱,۴	۱,۳	بلوچی
۰,۳	۰,۷	ترکمنی
۲۳,۵	۲۲,۸	ترکی
۲,۸	۲,۸	عربی
۵,۷	۵,۷	کردی
۳,۶	۳,۱	گیلکی
۸,۱	۹,۸	لری
۵,۴	۴,۱	مازندرانی
۰,۹	۳,۱	بیسواد سطح تحصیلی
۱۰,۲	۱۵,۴	ابتدایی
۴۹,۵	۳۸,۱	راهنمایی و متوسطه
۳۹,۳	۴۳,۴	دیپلم و بالاتر
۲۸,۴	۲۵,۴	موافق نگرش نسبت به ازدواج با خویشاوند نزدیک
۶۳,۵	۶۷,۰	مخالف
۸,۱	۷,۶	بدون نظر
۱۸۱۲	۱۵۲۶	تعداد کل

منبع: طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰

دست‌یابی به هدف بیان شده، ابتدا به مطالعه ویژگی‌های نمونه مورد بررسی پرداخته و سپس با استفاده از تحلیل دو متغیره رابطه عقیده افراد در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک (که به‌عنوان شاخصی از نگرش آنان در مورد ازدواج خویشاوندی در نظر گرفته شده است) را با ویژگی‌های گوناگون مرتبط با این افراد ارزیابی می‌نماییم. جدول (۵) ویژگی‌های متفاوت فرزندان ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوارها و نیز نگرش آنان را در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک نشان می‌دهد.

ویژگی‌های فردی: بیش از نیمی از فرزندان دختر و پسر در شهر متولد گردیده و سایر آنان را متولدین روستا تشکیل می‌دهند. فارسی‌زبانان حدود نیمی از افراد مورد مطالعه را شامل گردیده و پس از آن نیز گروه قومی ترک قرار می‌گیرد که بیش از یک‌چهارم نمونه مورد بررسی را به خود اختصاص داده است. گروه‌های قومی بلوچ و ترکمن نیز با دارا بودن کمتر از ۱,۵ درصد این نمونه، از کمترین فراوانی برخوردار می‌باشند. میانگین، میانه و نمای سنی فرزندان دختر به ترتیب عبارتند از ۱۹,۱، ۱۸,۰ و ۱۵,۰ سال؛ ارقام مشابه در مورد فرزندان پسر، به ترتیب ۱۹,۸، ۱۹,۰ و ۱۷,۰ سال می‌باشد.

ارقام جدول (۵) از نابرابری سطوح تحصیلی فرزندان دختر و پسر متعلق به نسل جدید حکایت می‌نماید. این نابرابری که در مورد افراد بیسواد و برخوردار از تحصیلات راهنمایی و متوسطه به نفع پسران مشاهده می‌گردد، در مورد افراد دارای تحصیلات ابتدایی و نیز دیپلم و بالاتر از آن، به نفع دختران تغییر می‌نماید. توجه به جداول (۱) و (۵) نشان می‌دهد که در مقایسه با فرزندان ازدواج کرده خانوارها، درصد بالاتری از فرزندان مجرد به سطوح تحصیلی بالاتر از راهنمایی دست یافته‌اند. با توجه به بالاتر بودن میانگین سنی فرزندان ازدواج کرده (۲۳,۸) نسبت به فرزندان مجرد خانوارها (دختران: ۱۹,۱ و پسران: ۱۹,۸)، چنین یافته‌ای می‌تواند روند رو به رشد ارتقا تحصیلی نسل جوان در دهه‌های اخیر را تأیید نماید.

نگرش نسبت به ازدواج خویشاوندی: توجه به آخرین متغیر موجود در جدول (۵) مشخص می‌سازد که بیش از ۶۰ درصد افراد متعلق به نسل دوم با برگزیدن همسری از میان خویشاوندان نزدیک مخالف بوده‌اند و شدت چنین مخالفتی در مورد فرزندان دختر اندکی بیش از فرزندان پسر گزارش گردیده است. در آن سوی طیف، حدود یک‌چهارم این افراد با چنین ازدواجی موافق بوده‌اند و درصد نسبتاً اندکی از آنان (تقریباً ۸ درصد) نظر خاصی در این مورد ابراز نداشته‌اند. با در نظر گرفتن این مطلب که به ترتیب ۲۱ و ۲۸ درصد والدین و فرزندان ازدواج کرده خانوارها با خویشاوند نزدیک خود ازدواج نموده‌اند و مقایسه ارقام یاد شده با یافته‌های این بخش می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که نگرش نسل دوم (فرزندان) در مورد ازدواج خویشاوندی نزدیک

همچون رفتار این نسل، نسبت به نسل اول (والدین) نه تنها تغییری در جهت کاهش ازدواج خویشاوندی نشان نمی‌دهد بلکه می‌توان افزایش اندکی را نیز در مطلوبیت و وقوع این الگوی ازدواج مشاهده نمود. چنین یافته‌ای، همچون یافته‌های بخش پیشین، با نتایج مطالعات پیشین مبنی بر پاداری نسبی ازدواج خویشاوندی در ایران طی دهه‌های گذشته (گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴؛ عباسی شوازی، مکدونالد و حسینی چاوشی ۲۰۰۶؛ عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵) همخوانی دارد.

۲) تحلیل دو متغیره داده‌ها

بخش حاضر به بررسی رابطه نگرش نسل دوم (فرزندان ۱۵ - ۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده) در مورد ازدواج خویشاوندی با ویژگی‌های منتخب مرتبط با آنان اختصاص یافته است. متغیر وابسته، نگرش در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک می‌باشد که با سه گزینه موافق، مخالف و بدون نظر مشخص شده است و متغیرهای مستقلی که به‌عنوان شاخص‌هایی از عوامل اجتماعی، فرهنگی و جمعیت‌شناختی در نظر گرفته شده‌اند عبارتند از محل تولد، قومیت، سن، سطح تحصیلی و الگوی ازدواج خویشاوندی والدین.

۱-۲) ویژگی‌های فردی فرزندان و نگرش آنان در مورد ازدواج خویشاوندی

جدول (۶) رابطه نگرش فرزندان هرگز ازدواج نکرده خانوارها در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک را با ویژگی‌های محل تولد، قومیت، سن و سطح تحصیلی آنان می‌سنجد. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، رابطه نگرش نسل دوم با تمامی متغیرهای مورد بررسی به استثنای سن دختران از نظر آماری معنی‌دار گردیده است. احتمال موافقت متولدین روستا با صحیح بودن ازدواج با خویشاوند نزدیک، بیش از متولدین شهری است و این تفاوت در مورد فرزندان دختر بیش از پسران بوده است. موافقت بیشتر فرزندان متولد روستا با صحیح بودن ازدواج خویشاوندی نزدیک، با الگوی ازدواج فرزندان ازدواج کرده خانوارها نیز هماهنگی دارد. از سوی دیگر اگرچه دختران متولد شهر بیش از دخترانی که در روستا متولد گردیده‌اند در مورد الگوی ازدواج یاد شده بدون نظر بوده‌اند، رابطه معکوسی در مورد فرزندان پسر ملاحظه می‌گردد. به عبارت دیگر، پسران متولد روستا بیش از هم‌تایانی که در شهر متولد گردیده‌اند، نظر موافق یا مخالفی را در مورد ازدواج خویشاوندی نزدیک ابراز ننموده‌اند.

الگوی نگرشی نسل جدید نسبت به ازدواج با خویشاوند نزدیک برحسب گروه‌های قومی و نیز جنسیت نمونه مورد بررسی متفاوت می‌باشد. در تعمیم یافته‌های این بخش به سبب کم

جدول شماره ۶. توزیع درصد ویژگی‌های فردی فرزندان ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوارها براساس نگرش آنان در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک به تفکیک جنس

نگرش نسبت به ازدواج با خویشاوند نزدیک						
جنس و ویژگی	موافق	مخالف	بدون نظر	کل		
زن	محل تولد	شهر	۱۸,۴	۸,۲	۱۰۰	
	روستا	۳۴,۲	۵۹,۰	۶,۸	۱۰۰	
	آزمون آماری	Sig=۰,۰۰۰۵	Cramer's V=۰,۱۸۰	Chi-Square=۴۸,۹		
	قومیت	فارس	۶۶,۳	۸,۰	۱۰۰	
	بلوچ	۸۰,۰	۱۰,۰	۱۰۰		
	ترکمن	۵۰,۰	۵۰,۰	۱۰۰		
	ترک	۱۸,۸	۷۳,۱	۸,۱	۱۰۰	
	عرب	۳۲,۹	۳۲,۶	۹,۵	۱۰۰	
	کرد	۱۸,۴	۸۰,۵	۱,۱	۱۰۰	
	گیلک	۸,۳	۸۳,۳	۸,۳	۱۰۰	
لر	۳۹,۳	۵۵,۳	۵,۳	۱۰۰		
مازندرانی	۱۶,۱	۷۱,۰	۱۲,۹	۱۰۰		
آزمون آماری	Sig=۰,۰۰۰۵	Cramer's V=۰,۱۷۱	Chi-Square=۸۸,۹			
مرد	سن	۱۹-۱۵	۲۴,۸	۸,۶	۱۰۰	
	۲۴-۲۰	۲۶,۱	۶۷,۷	۶,۲	۱۰۰	
	۲۹-۲۵	۲۷,۱	۶۷,۹	۵,۰	۱۰۰	
	آزمون آماری	Sig=۰,۲۹۵	Cramer's V=۰,۰۲۷	Chi-Square=۴,۱		
	سطح تحصیلی	بیسواد	۷۰,۲	۲۲,۴	۶,۴	۱۰۰
	ابتدایی	۳۸,۹	۵۵,۶	۵,۶	۱۰۰	
	راهنمایی و متوسطه	۲۴,۳	۶۷,۳	۸,۲	۱۰۰	
	دیپلم و بالاتر	۱۸,۴	۷۲,۹	۷,۷	۱۰۰	
	آزمون آماری	Sig=۰,۰۰۰۵	Cramer's V=۰,۱۷۳	Chi-Square=۹۱,۲۵		
	محل تولد	شهر	۲۲,۰	۶۷,۰	۷,۶	۱۰۰
روستا	۳۴,۲	۵۶,۹	۸,۹	۱۰۰		
آزمون آماری	Sig=۰,۰۰۰۵	Cramer's V=۰,۱۲۵	Chi-Square=۲۸,۰			
قومیت	فارس	۳۴,۴	۶۴,۶	۸,۰	۱۰۰	
بلوچ	۷۹,۲	۸,۳	۱۲,۵	۱۰۰		
ترکمن	۸۳,۳	۱۶,۷	۰,۰	۱۰۰		
ترک	۲۱,۶	۶۸,۷	۹,۷	۱۰۰		
عرب	۵۶,۰	۴۰,۰	۴,۰	۱۰۰		
کرد	۳۸,۶	۶۰,۳	۱,۰	۱۰۰		
گیلک	۹,۴	۸۴,۴	۶,۳	۱۰۰		
لر	۳۳,۸	۵۰,۷	۵,۵	۱۰۰		
مازندرانی	۱۵,۵	۷۲,۲	۱۲,۴	۱۰۰		
آزمون آماری	Sig=۰,۰۰۰۵	Cramer's V=۰,۱۸۴	Chi-Square=۱۲۱,۷			
سن	۱۹-۱۵	۲۹,۰	۶۱,۲	۹,۸	۱۰۰	
۲۴-۲۰	۲۸,۱	۶۵,۸	۶,۲	۱۰۰		
۲۹-۲۵	۲۶,۹	۶۷,۹	۵,۱	۱۰۰		
آزمون آماری	Sig=۰,۰۲۴	Cramer's V=۰,۰۵۶	Chi-Square=۱۱,۲۲			
سطح تحصیلی	بیسواد	۶۶,۷	۰,۰	۳۲,۲	۱۰۰	
ابتدایی	۳۸,۸	۴۹,۲	۱۲,۰	۱۰۰		
راهنمایی و متوسطه	۳۰,۰	۶۲,۶	۷,۴	۱۰۰		
دیپلم و بالاتر	۲۲,۰	۷۰,۰	۷,۱	۱۰۰		
آزمون آماری	Sig=۰,۰۰۰۵	Cramer's V=۰,۱۲۳	Chi-Square=۵۴,۲			
کل	۲۸,۴	۶۳,۷	۷,۹	۱۰۰		

منبع: طرح آمارگیری خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰

بودن تعداد نمونه متعلق به برخی از قومیت‌ها (به‌ویژه گروه‌های قومی ترکمن و بلوچ) رعایت احتیاط ضروری است. بیشترین درصد موافقت با الگوی ازدواج یاد شده در میان دختران بلوچ مشاهده می‌گردد (۸۰،۰٪) و پس از آن می‌توان از دختران ترکمن (۵۰،۰٪)، عرب (۴۲،۹٪) و لر (۳۹،۳٪) نام برد. حدود یک‌چهارم دختران فارس (۲۵،۶٪) نیز نسبت به ازدواج با یکی از خویشاوندان نزدیک نگرشی مثبت داشته‌اند. کمتر از یک‌پنجم دختران متعلق به قومیت‌های ترک (۱۸،۸٪)، کرد (۱۸،۴٪) و مازندرانی (۱۶،۱٪) چنین ازدواجی را درست دانسته‌اند. در آن سوی طیف نیز دختران گیلک قرار می‌گیرند که از کمترین درصد موافقت با صحیح بودن الگوی ازدواج یاد شده برخوردار بوده‌اند (۸،۳٪). اگرچه الگوی نگرشی فرزندان پسر تا حدی از هم‌تایان دختر آنان متفاوت می‌باشد، اما می‌توان الگوی نسبتاً مشابهی را در دو سوی طیف و جابه‌جایی‌هایی را در میانه آن مشاهده نمود.

مقایسه نتایج بیان شده با یافته‌های مطالعه دیگر نویسندگان مقاله (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵) و بخش پیشین مقاله حاضر از مشابهت الگوی ازدواج دو نسل متعلق به گروه‌های قومی یکسان حکایت می‌نماید. رابطه نگرش پسران ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده با سن آنان، برخلاف هم‌تایان دخترشان از نظر آماری معنی‌دار و در نتیجه قابل تفسیر گردیده است به‌طوری‌که با افزایش سن نمونه مورد بررسی از احتمال موافقت آنان با ازدواج با خویشاوند نزدیک (اگرچه به میزانی اندک) کاسته می‌شود. با توجه به این‌که نمونه مورد بررسی از افراد هرگز ازدواج نکرده تشکیل گردیده است، چنین یافته‌ای می‌تواند از کاهش مقبولیت ازدواج خویشاوندی نزدیک در میان افرادی که در سنین پایین ازدواج نمی‌نمایند حکایت نماید. البته این امر می‌تواند با امکان ادامه تحصیل و افزایش سطح تحصیلات این افراد نیز همبستگی داشته باشد. از سوی دیگر، بیشترین و کمترین فرزندان پسری که هیچ نظری را در مورد صحیح بودن ازدواج با خویشاوند نزدیک ابراز ننموده‌اند، به ترتیب به گروه‌های سنی ۱۵-۱۹ و ۲۵-۲۹ ساله تعلق داشته‌اند. یافته فوق می‌تواند عدم اطمینان پسرانی را که دارای سنینی کمتر از میانگین سن ازدواج بوده و به‌عبارت دیگر هنوز به سن ازدواج نرسیده‌اند در مورد الگوی مطلوب ازدواج نشان دهد.

بررسی نگرش فرزندان برخوردار از سطوح تحصیلی متفاوت در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک نشان می‌دهد که اکثریت فرزندان بیسواد نسبت به الگوی ازدواج یاد شده نظری مثبت داشته‌اند، در صورتی‌که کمتر از یک‌پنجم فرزندان دختر و کمتر از یک‌چهارم فرزندان پسر برخوردار از سطح تحصیلی دیپلم و بالاتر چنین نگرشی داشته‌اند. چنین تفاوتی در مورد دختران نسل دوم با شدتی بیش از هم‌تایان پسر آنان ملاحظه می‌گردد. رابطه معکوس یافت شده بین

موافقت با ازدواج خویشاوندی نزدیک و سطح تحصیلی با الگوی ازدواج خویشاوندی والدین برخوردار از سطوح تحصیلی گوناگون هماهنگی دارد.

۲-۲) الگوی ازدواج خویشاوندی والدین و نگرش فرزندان در مورد ازدواج خویشاوندی نتایج جدول (۷) بیانگر این است که احتمال موافقت فرزندان والدین خویشاوند با ازدواج خویشاوندی نزدیک به‌طور کلی بیش از فرزندان والدینی می‌باشد که با یکدیگر خویشاوند نبوده‌اند و چنین احتمالی در مورد فرزندان والدینی که با یکدیگر نسبت خویشاوندی نزدیک داشته‌اند، بیش از فرزندان والدینی است که با خویشاوند دور ازدواج نموده‌اند، اگرچه شدت چنین رابطه‌ای در مورد فرزندان دختر و پسر متفاوت می‌باشد.

جدول شماره ۷. توزیع درصد الگوی ازدواج خویشاوندی والدین براساس نگرش فرزندان ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوارها در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک به تفکیک جنس

جنس و ویژگی	نگرش نسبت به ازدواج با خویشاوند نزدیک			
	موافق	مخالف	بدون نظر	
زن	ازدواج با خویشاوند نزدیک	۳۲٫۵	۵۹٫۰	۸٫۵
	ازدواج با سایر خویشاوندان	۲۷٫۵	۶۴٫۱	۸٫۴
	ازدواج با غیر خویشاوند	۲۱٫۷	۷۱٫۳	۶٫۹
آزمون آماری	Chi-Square=۱۹٫۶	Cramer's V=۰٫۰۸۰	Sig=۰٫۰۰۱	
کل	۲۵٫۳	۶۷٫۰	۷٫۶	۱۰۰
مرد	ازدواج خویشاوندی والدین	۳۷٫۵	۵۴٫۸	۷٫۸
	ازدواج با سایر خویشاوندان	۳۴٫۱	۵۶٫۳	۹٫۶
	ازدواج با غیر خویشاوند	۲۲٫۹	۶۹٫۷	۷٫۴
آزمون آماری	Chi-Square=۱۹٫۶	Cramer's V=۰٫۰۸۰	Sig=۰٫۰۰۱	
کل	۲۸٫۴	۶۳٫۷	۷٫۹	۱۰۰

منبع: طرح آمارگیری خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰

براساس یافته‌های بیان شده، می‌توان گفت که مطلوبیت ازدواج خویشاوندی در میان فرزندان ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوارها کاهش نیافته است؛ در عین حال، نگرش این افراد در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک با برخی از ویژگی‌های آنان از جمله محل تولد، سطح تحصیلی و نیز الگوی ازدواج والدین رابطه داشته است. الگوی نگرشی یاد شده با سن فرزندان پسر نیز برخلاف فرزندان دختر رابطه معنی‌داری داشته است. برخوردارگی از ویژگی‌هایی همچون تولد در شهر و برخوردارگی از سن ازدواج بالاتر و نیز داشتن والدین خویشاوند می‌تواند

وقوع ازدواج خویشاوندی نزدیک را در میان فرزندان افزایش دهد. از سوی دیگر، نگرش نسل دوم در مورد ازدواج خویشاوندی، همانند الگوی ازدواج والدین با متغیر قومیت، به‌عنوان عامل تأثیرگذار فرهنگی رابطه‌ای معنی‌دار دارد. رابطه متفاوت نگرش فرزندان خانوارها در مورد ازدواج خویشاوندی با هریک از متغیرهای مورد بررسی برحسب جنس فرزندان نیز از یافته‌های دیگر می‌باشد. تحلیل چنین یافته‌ای نیاز به داده‌های کمی و کیفی جامع‌تری دارد که در چارچوب مقاله حاضر نمی‌گنجد.

۳) تحلیل چند متغیره داده‌ها

این بخش به بررسی چگونگی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته اختصاص یافته است. متغیرهای مستقل عبارتند از محل تولد، قومیت و سطح تحصیلی نسل دوم (فرزندان ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده) و ازدواج خویشاوندی و سطح تحصیلی نسل اول (والدین). متغیر وابسته، نگرش فرزندان نسبت به ازدواج خویشاوندی نزدیک می‌باشد که دو مقدار موافق و غیر موافق را شامل می‌گردد. از آن‌جا که متغیر وابسته یک متغیر اسمی دو وجهی می‌باشد، تحلیل چند متغیره داده‌ها با استفاده از روش رگرسیون لجستیک^۱ انجام شده است. هدف از این بررسی چگونگی تغییر احتمال برخورداری فرزندان دختر و پسر از نگرشی مثبت در مورد ازدواج خویشاوندی نزدیک براساس طبقات گوناگون هریک از متغیرهای مستقل می‌باشد. جدول (۸) کسرهای برتری^۲ به‌دست آمده از رگرسیون لجستیک را شامل می‌گردد و به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در الگوی نگرشی در دو بخش و به تفکیک جنسیت فرزندان ارائه گردیده است.

مدل اول به بررسی تأثیر همزمان ویژگی‌های فردی نمونه مورد بررسی بر نگرش آنان نسبت به ازدواج خویشاوندی نزدیک اختصاص یافته و بدین سبب متغیرهای مستقل محل تولد، قومیت و سطح تحصیلی فرزندان را شامل می‌گردد. صرف‌نظر از جنسیت فرزندان، محل تولد عاملی تأثیرگذار بر نگرش آنان به‌شمار می‌آید، به طوری که احتمال تأیید ازدواج خویشاوندی نزدیک از سوی فرزندان متولد شهر کمتر از فرزندانی است که در روستا متولد گردیده‌اند و شدت چنین رابطه‌ای در مورد پسران بیش از دختران می‌باشد.

اگرچه رابطه قومیت با نگرش دختران ترکمن، عرب و لر و نیز پسران کرد از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد، اما چگونگی این رابطه در مورد فرزندان متعلق به سایر گروه‌های قومی

1. logistic regression

2. odds ratio

نشان‌دهنده تداوم رابطه‌ای است که در مورد ازدواج خویشاوندی والدین آنان مشاهده گردیده است. به عبارت دیگر، احتمال داشتن نگرشی مثبت نسبت به ازدواج خویشاوند نزدیک در مورد قومیت‌های بلوچ، ترکمن، عرب، کرد و لر بیش از فارس‌ها می‌باشد و رابطه معکوسی در مورد گروه‌های قومی ترک، گیلک و مازندرانی مشاهده می‌شود. چنین یافته‌ای بیانگر تأثیر الگوهای فرهنگی بر تداوم الگوی ازدواج خویشاوندی می‌باشد که نه تنها طی دهه‌های پیشین پایداری آشکاری را از خود نشان داده است، بلکه در الگوی نگرشی نسل جوان نیز قابل مشاهده می‌باشد.

چگونگی تأثیرگذاری تحصیلات بر نگرش نسل دوم نسبت به ازدواج خویشاوندی تفاوت قابل توجهی را بین دو جنس نشان می‌دهد. در حالی که افزایش تحصیلات دختران از احتمال تأیید ازدواج خویشاوندی توسط آنان کاسته است به نظر می‌رسد که با کنترل سایر متغیرها، تحصیلات هیچ‌گونه تأثیر معنی‌داری بر نگرش فرزندان پسر نداشته است. نتایج مطالعات پیشین (گیونز و هیرشمن، ۱۹۹۴: ۸۳۳، حسین و بیتلز، ۲۰۰۰: ۴۳۹) رابطه متفاوت تحصیلات و ازدواج خویشاوندی را در مورد زنان و مردان تأیید کرده، بر نقش متمایز تحصیلات در الگوی همسرگزینی آنان تأکید نموده و چنین پدیده‌ای را به الگوهای متفاوت همسرگزینی دختران و پسران در جامعه نسبت داده‌اند: در حالی که امکان وجود همسری مناسب در میان خویشاوندان می‌تواند به ازدواج زود هنگام و احتمالاً قطع تحصیلات دختر بینجامد، در صورت عدم چنین امکانی، دختر می‌تواند به تحصیلات خود ادامه داده و به موقعیت‌های جدید تحصیلی و شغلی دست یابد. حضور در چنین موقعیت‌هایی می‌تواند دایره همسرگزینی دختر را گسترش داده و احتمال ازدواج او را با فردی غیر خویشاوند افزایش دهد. از سوی دیگر، ازدواج خویشاوندی پسری تحصیل کرده می‌تواند به حفظ «سرمایه خانوادگی» کمک نموده و همین امر می‌تواند عاملی برای تأکید بیشتر خانواده بر چنین ازدواجی به شمار آید.

یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد که تفاوت رابطه ازدواج خویشاوندی و تحصیلات در مورد دو جنس نمی‌تواند تنها به الگوهای همسرگزینی جامعه و نقش متفاوتی که خانواده برای دختران و پسران در نظر می‌گیرد نسبت داده شود. چنان‌که ملاحظه می‌گردد، الگوی نگرشی فرزندان نیز در جهت الگوی رفتاری مشاهده شده قرار گرفته و نشان می‌دهد که تمایل به ازدواج خویشاوندی در میان دختران تحصیل کرده نیز به‌طور معنی‌داری از پسران دارای تحصیلات مشابه کمتر می‌باشد.

جدول شماره ۸. پیش‌بینی احتمال داشتن نگرشی مثبت نسبت به ازدواج خویشاوند نزدیک در میان فرزندان ۱۵-۲۹ ساله هرگز ازدواج نکرده خانوارها به تفکیک جنس، با استفاده از مدل رگرسیون لج‌جستیک

		جنس						
		مرد		زن				
مدل دو	مدل یک	مدل دو	مدل یک	مدل دو	مدل یک	مدل دو	مدل یک	متغیر مستقل
Exp (B)	Sig	Exp (B)	Sig	Exp (B)	Sig	Exp(B)	Sig	
۰,۷۲۹	*	۰,۵۸۵	***	۰,۵۹۲	***	۰,۳۷۹	***	محل تولد
								روستا (مرجع)
								شهر
								فارس (مرجع)
۵,۲۷۲	**	۷,۳۷۷	***	۲,۶۰۰	*	۴,۳۱۶	**	قومیت
۱۱,۰۱۶	*	۱۴,۸۴۷	*	۱,۸۴۹	NS	۲,۴۳۰	NS	بلوچ
۰,۵۶۸	***	۰,۶۰۸	***	۰,۴۴۸	***	۰,۴۸۲	***	ترکمن
۲,۲۸۲	**	۲,۷۶۳	***	۱,۲۹۲	NS	۱,۴۵۱	NS	توک
۱,۱۹۱	NS	۱,۳۹۵	NS	۰,۳۴۵	***	۰,۳۹۰	**	عرب
۰,۲۴۰	***	۰,۲۲۶	***	۰,۲۰۳	**	۰,۲۰۵	**	کرد
۱,۳۶۹	NS	۱,۵۸۳	*	۱,۰۴۶	NS	۱,۱۶۳	NS	گیلک
۰,۳۹۴	**	۰,۳۶۷	***	۰,۳۹۶	*	۰,۴۰۰	*	لر
								مازندرانی
								سطح تحصیلی
۰,۵۱۷	NS	۰,۴۵۷	NS	۰,۲۹۹	***	۰,۲۸۵	***	بیسواد (مرجع)
۰,۴۷۳	NS	۰,۳۹۸	NS	۰,۲۲۷	***	۰,۲۰۸	***	ابتدایی
۰,۴۲۱	NS	۰,۳۱۵	NS	۰,۱۹۳	***	۰,۱۶۰	***	راهنمایی و متوسطه
								دیپلم و بالاتر
								ازدواج خویشاوندی والدین
				۱,۱۸۳	NS			غیرخویشاوند (مرجع)
								خویشاوند
								سطح تحصیلی مادر
۰,۹۶۱	NS			۰,۷۹۱	NS			بیسواد (مرجع)
۰,۷۴۸	NS			۰,۸۴۳	NS			ابتدایی
۰,۵۴۸	*			۰,۵۴۱	NS			راهنمایی و متوسطه
								دیپلم و بالاتر
								سطح تحصیلی پدر
۰,۸۵۳	NS			۰,۸۳۹	NS			بیسواد (مرجع)
۰,۶۵۷	*			۱,۰۸۳	NS			ابتدایی
۰,۶۹۵	NS			۰,۵۹۱	NS			راهنمایی و متوسطه
								دیپلم و بالاتر
۱,۲۴۹	NS	۱,۵۱۰	NS	۲,۹۱۸	**	۲,۹۲۷	**	مقدار ثابت
۷۳,۱		۷۳,۱		۷۶,۴		۷۶,۲		درصد درستی
۱۳۲,۵۰۵		۱۳۹,۲۰۷		۱۷۶,۶۶۲		۱۵۳,۰۰۴		Chi-Square
۱۹۶۱,۳۱۷		۱۹۹۶,۹۵۰		۱۵۳۰,۸۲۲		۱۵۵۷,۳۹۵		-2 log likelihood
۰,۱۳۳		۰,۱۰۷		۰,۱۶۳		۰,۱۴۳		Nagelkerk R Square

*: معنی‌داری در سطح ۰,۰۵ **: معنی‌داری در سطح ۰,۰۱ ***: معنی‌داری در سطح ۰,۰۰۱ NS: غیر معنی‌دار

مدل دوم، متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های والدین (ازدواج خویشاوندی و سطح تحصیلی آنان) را نیز وارد تحلیل می‌نماید تا تأثیر همزمان متغیرهای مربوط به ویژگی‌های فردی و نیز الگوی خانوادگی را بر نگرش فرزندان بسنجد. نتایج این مدل حاکی از آن است که ویژگی‌های والدین هیچ‌گونه تأثیر معنی‌داری بر الگوی نگرشی فرزندان دختر ندارد، اما در مورد پسران احتمال تأیید ازدواج خویشاوند نزدیک از سوی فرزندان والدین خویشاوند، فرزندان مادران دارای تحصیلات دیپلم و بالاتر و نیز فرزندان پدران دارای تحصیلات راهنمایی و متوسطه به ترتیب بیش از فرزندان والدین غیرخویشاوند، مادران و پدران بیسواد می‌باشد. چنین یافته‌ای می‌تواند تأثیر تفاوتی ویژگی‌های والدین را بر نگرش فرزندان پسر و دختر نشان داده و از تأثیر قابل توجه این ویژگی‌ها بر نگرش پسران حکایت نماید. مطالعات آینده، با بررسی نگرش افراد جوان و عوامل زمینه‌ای تأثیرگذار بر آن می‌تواند در درک عوامل مرتبط با الگوی نگرشی متفاوت دو جنس در مورد ازدواج خویشاوندی مؤثر باشد.

نتیجه‌گیری

روند نسبتاً ثابت الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران طی دهه‌های گذشته ما را بر آن داشت تا در جهت تکمیل بررسی روند تغییرات الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران و پیش‌بینی روند احتمالی آن در آینده با استفاده از تحلیل نسلی به مطالعه الگوهای رفتاری و نگرشی نسل جوان نسبت به ازدواج خویشاوندی و ارزیابی تفاوت‌های نسلی پردازیم. به منظور دست‌یابی به این هدف، از داده‌های طرح آمارگیری از خصوصیات اجتماعی-اقتصادی خانوار، ۱۳۸۰ استفاده گردید تا الگوی ازدواج خویشاوندی فرزندان ازدواج کرده و الگوی نگرشی فرزندان هرگز ازدواج نکرده خانوارها (نسل دوم) در مورد ازدواج خویشاوندی بررسی گردیده و با الگوی ازدواج خویشاوندی والدین (نسل اول) مورد مقایسه قرار گیرد.

یافته‌ها نشان داد که علی‌رغم افزایش برخوردارگی از زمینه شهری و تحصیلات بالاتر در میان نسل دوم، میزان ازدواج خویشاوندی در میان آنان نه تنها کاهش نیافته، بلکه افزایش اندکی نیز داشته است به طوری که میزان ۴۲ درصدی ازدواج خویشاوندی والدین در مورد فرزندان به بیش از ۴۵ درصد رسیده است. از سوی دیگر، احتمال چنین ازدواجی در میان فرزندان دارای ویژگی‌هایی همچون برخوردارگی از زمینه روستایی و ازدواج ترتیب‌یافته و نیز ازدواج در سنین پایین‌تر بیش از فرزندان است که از این ویژگی‌ها برخوردار نبوده‌اند. الگوی ازدواج خویشاوندی نسل اول را نیز می‌توان به عنوان عاملی مرتبط با الگوی ازدواج نسل دوم در نظر گرفت؛ به عبارت دیگر، احتمال وقوع ازدواج خویشاوندی در میان فرزندان والدین خویشاوند بیش از

فرزندان والدینی است که با یکدیگر نسبت خویشاوندی نداشته‌اند. بررسی الگوی نگرشی فرزندان هرگز ازدواج نکرده خانوارها عدم کاهش مطلوبیت ازدواج خویشاوندی را در میان نسل دوم مشخص نموده و نشان می‌دهد که تولد در شهر، عدم ازدواج در سنین پایین (تنها در مورد فرزندان پسر)، برخورداری از سطوح تحصیلی بالاتر و نیز داشتن والدین غیر خویشاوند احتمال تأیید ازدواج خویشاوند نزدیک را از سوی فرزندان کاهش می‌دهد. الگوهای نگرشی متفاوت فرزندان متعلق به گروه‌های قومی گوناگون نیز همچون الگوهای رفتاری والدین آنان، نقش مهم عوامل فرهنگی و ازجمله قومیت را در شکل‌گیری نگرش‌ها و رفتارهای فردی نشان می‌دهد. از سوی دیگر، الگوی ازدواج خویشاوندی والدین علاوه بر تأثیرگذاری بر الگوهای رفتاری فرزندان، الگوهای نگرشی آنان را نیز متأثر می‌سازد به طوری که فرزندان والدین خویشاوند بیش از فرزندان والدینی که با یکدیگر نسبت خویشاوندی نداشته‌اند، در مورد ازدواج با خویشاوند نزدیک نظری مثبت داشته‌اند. این یافته می‌تواند بر نقش الگوی ازدواج والدین بر شکل‌دهی به نگرش‌ها و رفتارهای فرزندان تأکید نماید.

بررسی تأثیر همزمان ویژگی‌های نسل اول و دوم بر نگرش نسل دوم در مورد ازدواج خویشاوندی نشان داد که به‌طور کلی نگرش فرزندان بیش از آن‌که تحت تأثیر ویژگی‌های والدین باشد، متأثر از ویژگی‌های فردی آنان است و این مسئله به‌ویژه در مورد فرزندان دختر کاملاً آشکار می‌باشد. در رابطه با تأثیر ویژگی‌های فردی نسل دوم بر الگوی نگرشی آنان می‌توان گفت در حالی که دو متغیر محل تولد و قومیت، صرف‌نظر از جنس فرزندان، به‌طور معنی‌داری قادر به پیش‌بینی احتمال تأیید ازدواج خویشاوند نزدیک بوده‌اند، سطح تحصیلی پسران (برخلاف دختران) هیچ‌گونه رابطه معنی‌داری با نگرش آنان نداشته است. چنین یافته‌ای نقش برتر عوامل فرهنگی را در شکل‌گیری الگوهای نگرشی در مورد ازدواج خویشاوندی تأیید می‌نماید؛ رابطه‌ای که قبلاً در مورد الگوهای رفتاری والدین نیز نشان داده شده بود (عباسی شوازی و ترابی، ۱۳۸۵).

نتایج به‌دست آمده ضمن تأیید تفاوت‌های بین‌نسلی در مورد ویژگی‌های فردی (تحصیلات، سن ازدواج، محل تولد) نشان داد که در مجموع مطلوبیت ازدواج خویشاوندی در میان افرادی که بیش از سایرین از جریان‌هایی همچون شهرنشینی و مدرنیزاسیون تأثیر پذیرفته‌اند (شهرنشینان، تحصیل کرده‌ها)، بیشتر می‌باشد. از سوی دیگر، روند نسبتاً ثابت و عدم وجود تفاوت بین نسلی در الگوی ازدواج خویشاوندی و نیز تأثیر مسلط قومیت بر آن می‌تواند بر تداوم و پایداری این الگوی همسرگزینی تأکید نموده و کندی تغییرات الگوهای خانواده و

ازدواج و تأثیرپذیری آن‌ها را از زمینه منحصراً به فرد تاریخی و فرهنگی جامعه نشان دهد؛ عاملی که گسترش سریع شهرنشینی و تحصیلات نیز قادر به کاستن از تأثیر آن بر رواج ازدواج خویشاوندی در ایران نبوده است. الگوی نگرشی متفاوت فرزندان دختر و پسر خانوارها نسبت به ازدواج خویشاوندی از دیگر یافته‌های مطالعه حاضر می‌باشد؛ یافته‌ای که درک عوامل مرتبط با آن مستلزم دسترسی به داده‌های جامع‌تر کمی و کیفی می‌باشد.

علاوه بر عواملی که در این مطالعه به آن‌ها توجه گردید، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی از عوامل دیگری نیز تأثیر می‌پذیرد که پرداختن به آن‌ها در چارچوب محدود مطالعه‌ای کمی و با استفاده از داده‌هایی از پیش گردآوری شده ممکن نبود. مطالعات آینده می‌توانند با ارزیابی نقش عواملی که در بررسی‌های مختلف به عنوان عوامل مؤثر بر رواج بالای ازدواج خویشاوندی در نظر گرفته شده‌اند (برخوردراری از حمایت‌های عاطفی و اقتصادی شبکه خویشاوندی، حمایت از سالخوردهگان، عدم تقسیم دارایی‌های خانوادگی و غیره)، تصویر جامع‌تری از این الگوی رایج ازدواج در ایران ترسیم نمایند.

منابع

- آزادارمکی، تقی. مهناز زند و ظاهره خزایی (۱۳۷۹) «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۶، صص ۳-۲۹.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰) «شکاف بین نسلی در ایران»، *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴، صص ۷۰-۵۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاوشی، پیتز مک دونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۳) «تحولات باروری در ایران»، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عباسی شوازی، محمد جلال و فاطمه ترابی (۱۳۸۵) «سطح، روند و الگوی ازدواج خویشاوندی در ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، شماره ۲، صص ۶۱-۸۸.
- کتابی، احمد (۱۳۷۹) «زنانشویی با خویشاوندان بسیار نزدیک در ایران باستان»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۶، صص ۱۶۷-۱۹۲.

Abbasi-Shavazi, M. J., P. McDonald and M. Hossein-Chavoshi (2006) "Modernization and the Cultural Practice of Consanguineous Marriage: A Study of Four Provinces of Iran", Paper prepared for session: Value Changes and the Family Formation of the European Population Conference: Population Challenges in Aging Societies, Liverpool, June 21-24.

Abbasi-Shavazi, M. J. and P. McDonald, 2007, Family Change in Iran: Religion, Revolution and the State, in Jayakody, A. Thornton, and W. Axinn (eds.)

- International Family Change: Ideational Perspectives*, Taylor & Francis Group, LLC, PP: 177-198.
- Bittles, A. H. (1994). "The Role and Significance of Consanguinity as a Demographic Variable", *Population and Development Review* 20 (3): 561-584.
- Bittles, A. H. (2001). "A Background Summary of Consanguineous Marriage", Perth: Centre for Human Genetics, Edith Cowan University.
- Givens, B. P. and C. Hirshman (1994). "Modernization and Consanguineous Marriage in Iran", *Journal of Marriage and the Family* 56 (November): 820-834.
- Goode, W. J. (1963). *World Revolution and Family Patterns*, New York: Free Press.
- Gunaid, A. A., N. A. Jummad and K. A. Tamim (2004). "Consanguineous Marriage in The Capital City Sana'a, Yemen", *Journal of Biosocial Sciences* 36: 111-121.
- Hussain, R. and A. H. Bittles (1999). "Consanguineous Marriage and Differentials in the Age at Marriage, Contraceptive Use and Fertility in Pakistan", *Journal of Biosocial Sciences* 31: 121-138.
- Hussain, R. and A. H. Bittles (2000). "Sociodemographic Correlates of Consanguineous Marriage in the Muslim Population on India", *Journal of Biosocial Sciences* 32: 433-442.
- Inglehart, R. and W.E. Baker (2000). "Modrnization, Cultural Change, and the Persistence of 'Traditional Values", *American Sociological Review* 65 (1): 19-51.
- Jurdi, R. and P. C. Saxena (2003). "The Prevalence and Correlates of Consanguineous Marriage in Yemen: Similarities and Contrasts with Other Arab Countries", *Journal of Biosocial Sciences* 35: 1-13.
- Khlat, M. and S. Ilalabi (1986). "Modernization and Consanguineous Marriage in Beirut", *Journal of Biosocial Sciences* 18 (October): 489-495.
- Nath, A., C. Patil and V. Naik (2004). "Prevalence of Consanguineous Marriage in a Rural Community and its Effects on Pregnancy Outcome", *Indian Journal of Community Medicine* 29 (1): 41-43.
- Overall, A. D. J., M. Ahmad, M. G. Thomas and R. A. Nicholas (2003). "An Analysis of Consanguinity and Social Structure within the UK Asian Population Using Microsatellite Data", *Annals of Human Genetics* 67: 525-537.
- Oidwai, W., I. A. Syed and F. M. Khan (2003). "Prevalence and Perceptions about Consanguineous Marriages among Patients Presenting to Family Physicians, in 2001 at a Teaching Hospital in Karachi, Pakistan", *Asia Pacific Family Medicine* 2: 27-31.
- Radovanovic, Z., N. Shah and J. Behbehani (1999) "Prevalence and Social Correlates of Consanguinity in Kuwait", *Annals of Saudi Medicine* 19 (3): 206-210.

Saadat, M., M. Ansari-Lari and D. D. Farhud (2004) "Consanguineous Marriage in Iran", *Annals of Human Biology* 31 (2): 263-269.

Thornton, A. and H-S Lin (1994). "Social Change and the Family in Taiwan", Chicago: The University of Chicago Press.

Thornton, A. (2001). "The developmental Paradigm, Reading History Sideways, and Family Change", *Demography* 38 (4): 449-465.

محمد جلال عباسی شوازی، عضو هیئت علمی گروه جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران است.
Mabbasi@ut.ac.ir

فاطمه ترابی دانشجوی دکتری مرکز مطالعات جمعیتی دانشگاه لندن (LSHTM) است.
Fatemeh.Torabi@lshtm.ac.uk